# Studying the Adaptability of Internet Crimes with Islamic Law: A Case Study of Theft and Fraud

Saeed Atazadeh[1]
Mahmud Ghayumzadeh[2]
Jalal Ansari[3]

Received: 20/08/2018; Accepted: 13/11/2018

## Abstract

Surveying the sources of Islamic law clarifies that the basis of criminalization and the punishment of theft and fraud is to protect the believer's and non-believer's property against the abduction or possession without permission by others and the principle of respect is the basis of this subject. Undoubtedly, however, no reference is made to internet type of these crimes in the sources of Islamic law. Therefore, this article by means of examining the different aspects of the aforementioned internet crimes, seeks to determine that how much internet crimes are compatible with Islamic law, and how Islamic law's resources can be used in illustrating and adapting the subject in modern criminal law. The findings of this study indicate that the lack of reference to internet theft and fraud in Islamic law does not authorize non-criminalizing of these crimes in current laws. Accordingly, the lawmaker, through referring to foundations of Islamic law that has banned and determined punishment for fraudulent, deceptive, and criminal offenses for gaining wealth by illegitimate ways, has placed internet crimes under discretionary (ta'zeeri) crimes. So that it would be possible to prevent immunity from these crimes and the orders of Islam based on which these crimes are forbidden would be regarded in the law. The present article, through a descriptive-analytic method and in order to ascertain the possibility of the Islamic law being compatible with Internet theft and fraud, attempts to conduct a comparative study of Islamic law sources approved by the Imamiyah and Sunni jurisconsults with internal regulations.

**Keywords:** Islamic Law, Compatibility, Internet Fraud, Internet Theft.

1 . Assistant Professor, Research Institute for Police Sciences and Social Studies (Corresponding Author); Email:saeidbahjat@yahoo.com
2 . Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Saveh Branch
3 . PhD Student in Criminal law and Criminology, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Saveh Branch.

# بررسی میزان انطباق‌پذیری جرایم اینترنتی با حقوق اسلامی (مطالعه موردی سرقت و کلاهبرداری)

تاریخ‌دریافت ۹۷/۰۵/۲۹ - تاریخ‌پذیرش ۹۷/۰۸/۲۲

سعید عطازاده[۱]
محمود قیوم‌زاده[۲]
جلال انصاری[۳]

## چکیده

با بررسی منابع حقوق اسلامی مشخص می‌شود که مبنای جرم‌انگاری و مجازات سرقت و کلاهبرداری ، حفاظت از مال مؤمن و غیر مؤمن در مقابل دستبرد یا مالکیت بدون اجازه توسط دیگران است و قاعده‌ی احترام مبنای همین موضوع می‌باشد. اما قطعاً در منابع حقوق اسلامی اشاره‌ای به نوع اینترنتی این جرایم نشده است. به همین دلیل در این مقاله به دنبال آن هستیم که با بررسی جنبه‌های مختلف جرایم اینترنتی مذکور مشخص کنیم که جرایم اینترنتی به چه میزان با حقوق اسلامی انطباق دارند و دیگر اینکه منابع حقوق اسلامی چگونه می‌توانند در روشن شدن و تطبیق موضوع به کمک حقوق جزای نوین بیایند؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عدم اشاره به سرقت و کلاهبرداری اینترنتی در حقوق اسلام، مجوزی برای عدم جرم‌انگاری این جرایم در قوانین امروزی نیست. به همین دلیل قانونگذار با استناد به مبانی حقوق اسلامی که تقلب و فریب و ارتکاب جرم برای دستیابی به ثروت از طریق روش‌های غیرقانونی را ممنوع اعلام کرده و برای آن ها مجازات تعیین نموده است، جرایم اینترنتی را در زیرمجموعه جرایم تعزیری قرار داده است تا اینکه، هم از بی کیفر ماندن این جرایم جلوگیری شود و هم اینکه دستورات اسلام مبنی بر ممنوع بودن اعمال مذکور در قانون لحاظ شده باشد. مقاله حاضر سعی دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه تطبیقی منابع حقوق اسلامی مورد تأیید فقهای امامیه و اهل سنت با قوانین داخلی بپردازد تا امکان تطبیق‌پذیری حقوق اسلام با سرقت و کلاهبرداری اینترنتی مشخص شود.

**واژگان کلیدی**: حقوق اسلامی، تطبیق‌پذیری، کلاهبرداری اینترنتی، سرقت اینترنتی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی (نویسنده مسئول)، رایانامه:saeidbahjat@yahoo.com
۲. استاد گروه فقه و مبانی حقوق،گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی،واحد ساوه.
۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی،گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه.

**مقدمه**

جرایم اینترنتی از جمله جرایم نوینی هستند که از دهه هشتاد شمسی، بحث قانون گذاری و مقابله با این جرایم با تصویب دو قانون تجارت الکترونیکی و قانون جرایم رایانه ای جنبه عملی به خود گرفت. بعضی از جرایم همچون سرقت ، کلاهبرداری، جعل و غیره به دو حالت سنتی و اینترنتی (نوین) و بعضی نیز مثل هک کردن یا دسترسی غیر مجاز فقط به شکل اینترنتی ارتکاب پیدا می کنند. از جمله مهمترین جرایمی که به شکل سنتی و اینترنتی قابلیت ارتکاب را دارند می توان به کلاهبرداری و سرقت اشاره کرد.

قانونگذار در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷، به جرم انگاری کلاهبردای سنتی ، در مواد (۲۶۷) تا (۲۷۸) قانون مجازات اسلامی به جرم انگاری سرقت حدی ، در مواد (۶۵۱) تا (۶۶۷) به مجازات سرقت تعزیری و مصادیق آن و در مواد (۱۲)و(۱۳) قانون جرایم رایانه ای به جرم انگاری سرقت و کلاهبرداری اینترنتی اقدام کرده است.

تخصیص مواد متعدد به جرم انگاری و مجازات شکل سنتی این جرایم نشان دهنده توجه ویژه به مبارزه با این جرایم می باشد، اما در مقابل، اختصاص یک ماده به شکل اینترنتی این جرایم و مجازات سبک برای آن ها محل تامل است و با گذر زمان مشخص شده که هم نحوه تعریف و جرم انگاری و هم عدم تفکیک مصادیق این جرایم و اختصاص مجازات متناسب ، همگی از مشکلات و ابهامات اساسی این قانون می باشند.حال با توجه به مسائل پیش گفته باید دید آیا حقوق اسلام که مبنای حقوق جزای ما می باشد به دلیل عدم توانایی تطبیق و همخوانی اش با جرایم نوین و اینترنتی، عامل این کاستی ها و ایرادات است یا کوتاهی از ناحیه قانوگذار بوده و قانون اسلامی قابلیت هماهنگی با این جرایم را دارد؟ بر همین اساس در این مقاله به دنبال این هستیم که ، میزان سازگاری تعاریف و ویژگی هایی که برای جرایم سرقت و کلاهبرداری در حقوق کیفری

اسلام ارائه شده را ، با شکل اینترنتی این جرایم مشخص کنیم و به جواب این سوال برسیم که آیا می توان همان تعریف و ویژگی های سرقت و کلاهبرداری سنتی که در حقوق کیفری اسلام ارائه شده را برای جرایم اینترنتی مذکور به کار برد یا خیر؟ آیا حرز در جرم سرقت سایبری وجود دارد؟ در صورت وجود، چه مصادیقی را برای آن می توان نام برد؟ برای رسیدن به جواب سوالات، سعی شده تا با روش توصیفی ، تحلیلی به مطالعه تطبیقی منابع حقوق اسلامی مورد تایید فقهای امامیه و اهل سنت با قوانین داخلی بپردازیم،تا امکان تطبیق پذیری حقوق اسلام با سرقت و کلاهبرداری اینترنتی مشخص شود. در این راستا بررسی و تحلیل منابع حقوق اسلام از نظر فقهای شیعه و فقهای اهل سنت ،مورد توجه قرار خواهند گرفت، همچنین می بایست تعریف ،مصادیق و ویژگی های جرایم مذکور در حقوق جزای نوین مورد مطالعه قرار گیرد و مشخص شود که بعضی از مصادیق جرایم اینترنتی در زیر مجموعه سرقت قرار می گیرند یا کلاهبرداری ، تا بتوان حکم فقهی و قانونی آن را مشخص کرد.

به نظر می رسد که فلسفه و مبنای جرم انگاری سرقت و کلاهبرداری حفظ اموال مردم بغیر از کافر حربی از دستبرد و مالکیت بدون اجازه توسط دیگران بوده که در بخش های بعدی به تفصیل به اسناد این مطلب خواهیم پرداخت.اما بحث در اینجاست که به نوع اینترنتی این جرایم در هیچ یک از منابع اسلامی اشاره ای نشده است، از همین رو بعضی این تفکر را دارند که به دلیل عدم اشاره شارع به این اعمال ، نباید آنها را جرم دانست و در زیر مجموعه مجازات های حدی،تعزیری ، قصاص و دیات قرار داد ،اما بعضی دیگر از فقها با استناد به منابع حقوق اسلامی اعتقاد دارند که کلاهبرداری و سرقت اینترنتی، چون همان فلسفه شکل سنتی خود را دارند می بایست جرم انگاری شوند(ایزدی فر، ۱۳۸۹: ۵۴).

قوانین اسلام(شریعت) در رویکرد خود به منظور هدایت افراد در بیشتر امور روزمره، جامع است و تمام رفتارهای عمومی و خصوصی را کنترل، قاعده‌مند و تنظیم می‌کند. منطق قانون اسلامی این است که از اصول مهمی همچون مذهب و حکومت اسلامی ، اموال و غیره دفاع می‌کند و هر گونه انحراف از این جنبه‌ها و یا حمله به آن‌ها را جرم می داند و بر اساس چنین تفسیری، قانون اسلامی، مجازات‌های دنیوی و اخروی را نیز ارائه

می‌دهد(قربان نیا، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۱). در حقیقت، اسلام با اعمال مجازات بازدارنده، که اساس نظام کیفری اسلامی است سعی در حفظ این اصول داشته است، بنابراین، مجازات‌های حدود، قصاص،دیات و تعزیرات بر اساس نوع جرم ارتکابی تجویز می‌شوند(ورعی،۱۳۹۴: ۶۴-۶۳).مجازات‌های فوق در قرآن و سنت تجویز شده‌اند و بنابراین قاضی مجاز به افزایش و یا کاهش مجازات نیست. در مقابل، جرایمی که در هیچ یک از مقوله‌های قبلی گنجانده نشده‌اند، از طریق مجازات‌های غیر تجویز شده، به نام تعزیر مجازات می‌شوند زیرا مجازات تعزیر هم انعطاف‌پذیر و هم قابل تنظیم است(حسینی،۱۳۸۷: ۱۳۶). با این وجود، نکته مهم این است که حتی در حوزه مجازات‌های تعزیری، قاضی از صلاحیت مطلق برخوردار نیست و قضاوت و حکم احتمالی وی از طریق رهنمودهایی است که از منابع اسلامی و مفاهیم مذکور در چنین منابعی و اهداف مربوطه، برداشت می‌شود(امینی،۱۳۸۹: ۱۹). در واقع، دشوار است که بطور آماری تعداد دقیقی از جرایمی را برشماریم که مستعد استفاده از مجازات‌های تعزیری هستند. برخی از این جرایم مثل سرقت و کلاهبرداری سنتی به خوبی شناخته شده هستند و برخی دیگر محصول زمان و فضای موجود در جامعه هستند که با تغییرات در عصر مدرن ظاهر می‌شوند. در اصل، مشخص است که رویکرد انعطاف‌پذیر که در اسلام و قوانین آن وجود دارد مناسب‌ترین پاسخ به انواع مسائل و چندگانگی مشکلاتی است که با واریانس تنظیمات متنی - زمانی و موقعیتی ظاهر می‌شود و پویایی و سازگاری دین با اقتضائات در هر شرایط و زمانی محفوظ خواهند ماند(آیتی،۱۳۹۵: ۱۰۰).

## ۱. تعریف و ارکان سرقت و کلاهبرداری (سنتی و اینترنتی) در فقه و قوانین موضوعه

در این بخش از مقاله ابتدا تعریف و ارکان سرقت سنتی و اینترنتی ، و سپس تعریف و ارکان کلاهبرداری سنتی و اینترنتی بر اساس فقه و قوانین مربوطه تعریف و نکات مرتبط و مهم از ارکان آن ها در کنار یکدیگر تشریح خواهد شد.

### ۱-۱. تعریف و ارکان سرقت سنتی و اینترنتی

در این قسمت سعی بر این است تا با تحلیل ارکان و تعریف این دو نوع سرقت راه را برای بررسی میزان تطبیق پذیری حقوق جزای نوین با حقوق اسلام هموار سازیم. با مطالعه

منابع فقهی مشخص می شود که حقوق اسلامی بر منابعی همچون قرآن،سنت،اجماع و عقل استوار می باشد،از همین رو برای یافتن تعریف یک عمل مجرمانه در حقوق اسلامی باید به این منابع رجوع کنیم، ما نیز برای بررسی تعریف و ارکان این جرایم به منابع مذکور توجه خواهیم داشت .

**۱-۱-۱. تعریف فقهی و حقوقی سرقت تعزیری و حدی**

با بررسی متون فقهی در می یابیم که سرقت در اکثر آن ها به شکل صریحی تعریف نشده است، اما بعضی از فقها (مقدس اردبیلی،۱۴۱۶: ۲۲۷) در تعریف آن عنوان کرده اند: «السرقه: هی اخذ المال خفیه»یعنی سرقت عبارت است از گرفتن مال به طور پنهانی. هنگام مطالعه منابع فقهی در رابطه با مفاهیم مشابه سرقت سنتی نیز می توان موارد مختلفی را پیدا کرد، همچون انتهاب[۱](خاوری،۱۳۸۴: ۲۶۱-۲۶۰)، اختطاف یا استلاب[۲](عاملی،۱۴۱۳: ۲۰) که هر کدام مفهومی شبیه سرقت دارند و وجه تمایز آن ها با سرقت حقیقی در عدم وجود قید پنهانی بودن ، در آن ها می باشد، هر چند اصطلاحات دیگری همچون اختلاس[۳] (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی،۱۴۲۳: ۳۷۵) ، طَرار[۴](طوسی،۱۳۷۸: ۴۵) ،مُبنِج[۵] (طرابلسی،۱۴۰۶: ۵۵۴) ومُرقد[۶](فاضل موحدی لنکرانی،۱۳۹۰: ۴۱۹)نیز از مفاهیم مشابه

۱- انتهاب به معنای غارت و چپاول اموال از طریق غلبه وقهر به صورت آشکار می باشد،از همین رو وجه تمایز انتهاب با سرقت حقیقی و عامیانه ،در مخفی بودن سرقت می باشد.

۲- استلاب و اختطاف هم معنی هستند، شهید ثانی در تعریف مستلب می نویسد: ((مستلب کسی است که مال را آشکارا به نحو علن می رباید و فرار می کند در حالی که محارب نیست.))

۳- اختلاس در متون فقهی بدین شکل تعریف شده که: (( والاختلاس فی اللغهٔ أعمّ من الغصب من وجه آخر؛ لشموله أخذ المال اختطافاً ممّن بیده إذا کان التصرّف فیه جائزاً للمختلس...)) از این جمله برداشت می شود که: مختلس کسی است که بدون غلبه و فرار کردن، چیز پیدایی را می رباید.

۴- شیخ طوسی در رابطه با مفهوم طرار عنوان می کند که: (( فإذا أدخل الطرار یده فی جیبه فأخذه أو بط الجیب و الصرهٔ معا فأخذه فعلیه فی کل هذا القطع....)) ((طرار کسی است که از جیب یا آستین ظاهر یا باطن دزدی کند، و اگر دزدی وی از جیب ظاهر باشد حد تعزیر می شود و اگر دزدی وی از جیب باطن باشد حد سرقت بر وی جاری می شود.))

۵- طرابلسی(ابن براج) در کتاب خود مُبنِج را این گونه تعریف می کند که، «مُبنِج: فإنه متی بنج غیره بشیء سقاه أو أطعمه حتی سکر منه وأخذ ماله وجب ان یعاقبه الامام بحسب ما یراه ، ویسترجع منه ما أخذه»((مُبنِج به کسی می گویند که دیگری را بیهوش می کند چه با غذا چه با دوا یا با ماده سکرآور و مال وی را می رباید.))

۶- آیت الله لنکرانیؒ مرقد را اینگونه تعریف می کنند: ((مُرقِد کسی است که غذای خواب آور را به دیگری می خوراند و اموال او را چپاول می کند.))

سرقت در فقه می باشند ،اما عملا همه آن ها زیر مجموعه سرقت می باشند.قانونگذار ما نیز با تبعیت از همین نکات پیش گفته در ماده (۱۲) قانون جرایم رایانه ای سرقت رایانه ای یا همان اینترنتی را این گونه تعریف کرده: «هرکس به طور غیرمجاز داده های متعلق به دیگری را برباید....». با نگاهی به ماده مذکور مشخص می شود،این تعریف بر اساس تعریف سرقت سنتی یا فقهی ارائه شده و فقط بجای واژه «مال» از واژه «داده» استفاده شده است.

در رابطه با وجه تمایز و تعریف سرقت تعزیری و حدی باید توجه داشت که اثبات یا عدم اثبات شروط ۱۴ گانه مندرج در قانون مجازات اسلامی می تواند نقش کلیدی و نهایی را در تعیین نوع سرقت و مجازات داشته باشد. فقها در تعریف سرقت حدی ،قید خفیه را برای گرفتن یا اخذ مال لحاظ کرده اند(علامه حلی،۱۴۱۳: ۲۲۹-۲۲۸) ،این قید برخلاف ماده (۱۹۷) قانون مجازات سابق در ماده (۲۶۷) قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲ ذکر نشده ، که علت این امر چنین است که برخی اعتقاد داشتند(مصدق،۱۳۹۵: ۹) ،اگر ربایش مال دیگری در خفا انجام نگیرد، پس سرقت هم رخ نداده است، از همین رو قانونگذار شرط به طور پنهانی را در بند «ث» ماده (۲۶۸) لحاظ کرد تا در صورتی که سرقت در علن رخ دهد، صرفا جنبه حدی آن از بین رود و سرقت تعزیری محسوب شود.

باید توجه داشت که سرقت حدی علاوه بر بحث بردن مال در خفا ،شرایط دیگری دارد که تشریح هر کدام خارج از موضوع مقاله است.

به هر ترتیب با نگاهی به منابع فقهی در می یابیم که سرقت سنتی به دو شکل تعزیری و حدی قابل ارتکاب است اما سرقت اینترنتی به دلیل وجود قاعده درأ و شبهه در حرز بودن یا نبودن کامپیوتر و اینترنت، فقط به صورت تعزیری قابلیت ارتکاب دارد ، از همین رو نمی توان مجازات های سرقت حدی همچون قطع دست را برای سارق اینترنتی به کار برد و نهایتا می توان وی را، حتی اگر به صورت پنهانی سرقت را انجام داده ،به تعزیر محکوم کنیم، چون مجازات قطع دست و امثالهم نمی تواند نتیجه مطلوبی در برخورد با سارق اینترنتی داشته باشد زیرا وی می تواند با استفاده از دانش و مغز خود جرم را تکرار کند(وزیری،۱۳۹۶:۷۲). هر چند بعضی از فقها همچون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله

سیستانی ،نظر مخالف دارند و عنوان می کنند که در این حالت سرقت تحقق پیدا کرده و در صورتی که همه شرایط وجود داشته باشد حد سرقت بعید نیست و می تواند جاری می شود(ایزدی فر،۵۷:۱۳۸۹).در مجموع با توجه به مطالب پیش گفته و با توجه به مبانی حقوق اسلامی و قوانین داخلی، تعزیری بودن سرقت اینترنتی همخوانی بیشتری با مبانی حقوقی اسلامی دارد.

**۱-۱-۲. تحلیل ارکان سرقت سنتی و اینترنتی**

در این بخش از مقاله به جنبه های از ارکان سرقت حدی و تعزیری و اینترنتی اشاره خواهد شد که کارایی بیشتری در روشن شدن موضوع دارند.

سرقت سنتی از ۴ رکن تشکیل می شود که عبارتند از:۱- ربایش ۲- در خفا بودن یا مخفیانه بودن عمل ربایش ۳- شی مسروقه ارزش مالی داشته باشد ۴ – مال متعلق به دیگری باشد.

در رابطه با رکن اول یعنی عمل ربایش باید عنوان کرد که این مفهوم در سرقت اینترنتی نیز وجود دارد ، به این شکل که در سرقت اینترنتی شخص سارق داده ها و به طور کلی آنچه را که مالیت دارد از دست صاحبش خارج کرده و تحت تصرف خود یا شخص دیگری قرار می دهد. معنی مال نیز در میان فقها به این مفهوم است که، هر چیزی که عرفا و شرعا قابل داد و ستد باشد، مال نامیده می شود(شیخ طوسی،۱۳۷۸: ۱۹۵/ حسینی عاملی،۱۴۱۹: ۸). در رابطه با ربودن مال دیگری نیز باید عنوان کرد که این عمل باید بدون اطلاع مالک مال باشد، زیرا اگر مالک از ربایش داده خود آگاهی داشته باشد و یا اجازه برداشتن آن را بدهد، نمی توان آن را سرقت دانست. همچنین اگر شخصی بدلیل عدم آگاهی و تسلط به فضای مجازی (اینترنت) یا بر اثر اشتباه، مال خود را در دسترس دیگری قرار دهد نمی توان شخصی که مال را بدست آورده سارق دانست ،زیرا در اینجا اصلا ربایشی رخ نداده است و نهایتا شخصی که مال در ید او قرار داده شده مسئولیت مدنی دارد. اما شهید ثانی نسبت به این موضوع نظر دیگری دارد به این شکل که وی اعتقاد دارد چنانچه شخصی که مال، ناخواسته و من غیر حق در ید وی قرار گرفته از حقیقت ماجرا باخبر باشد و عمدا در آن تصرف کند، این امر در حکم خیانت در امانت است، زیرا ید

وی نسبت به مال مذکور امانی و از موارد امانت شرعی است و می توان وی را به تعزیر محکوم کرد هر چند که مسئولیت مدنی وی کماکان پابرجاست(شهیدثانی،۱۴۱۰، ج۴: ۲۳۶).

نکته مهم دیگری که در بحث ربایش و تفاوت آن میان سرقت سنتی و اینترنتی وجود دارد، این است که، در سرقت سنتی هنگامی که ربایش انجام می گیرد ، مال مسروقه به طور کامل از دسترس مالک خارج می شود و چه بسا هیچ وقت مال مسروقه به مالکش بازگردانده نمی شود. اما در سرقت اینترنتی موضوع متفاوت است زیرا هنگامی که داده یا داده ها ربوده می شود و از دسترس صاحبش خارج می گردد، ممکن است اصل داده ها از ید وی خارج نشود و سارق صرفا از آن ها کپی تهیه کرده باشد و در حالتی که داده ها کلا ازدست مالک خارج شده باشد وی می تواند با استفاده از برنامه هاو و سایل پشتیبان گیر یا ذخیره سازی، اطلاعات را برگرداند که در هر دو حالت داده های به سرقت رفته، مجددا در اختیار مالک قرار می گیرند. حال سوال این است که اگر سارق از داده ها کپی تهیه کرده باشد، آیا می توان وی را مشمول تعریف سرقت اینترنتی قرار داد یا خیر؟(حضرتی شاهین دژ،۱۳۹۱ :۱۳۹)

در جواب باید گفت چنین وضع یدی بر مال دیگری که به صورت کپی گرفتن است و اصل مال در ید مالک است جای سوال و تامل دارد، اما با توجه به ماده (۱۲) قانون جرایم رایانه ای و همچنین فناوری های نوین فضای مجازی می توان عنوان کرد که در فضای مجازی به دو حالت کپی کردن۱و برش دادن۲می توان داده ها را ربود ،از همین رو چنانچه ربایش داده ها به یکی از طرق پیش گفته ارتکاب یابد ، به نظر می رسد بتوان شخص را سارق اینترنتی شناخت و وی را بر اساس قانون مجازات کرد ، زیرا شخص حتی با کپی کردن داده ها نیز که برگرفته از قصد سرقت بوده ، جرم را به شکل کامل انجام داده است، پس قاعدتا جرم سرقت انجام گرفته است و در این حالت مانند زمانی است که

1 . Copy
2 . Cut

شخص خودروی دیگری را به سرقت می برد و برای این کار لازم نیست تا از درون ماشین بازدید کند یا سوار آن شود و بهره جویی کند(عالی پور،۱۳۹۶: ۲۵۸-۲۵۶).

در رابطه با بحث حرز نیز لازم به ذکر است که با نگاهی به متون فقهی مشخص می شود که برخی فقها ، عرف را تعیین کننده مفهوم حرز می دانند و اعتقاد دارند در هر مورد حرز متفاوت است و با بیان مصادیق سعی در روشن شدن مفهوم آن داشته اند(محقق حلی،۱۳۸۸: ۲۰۲ ؛ ابن فهد حلی،۱۴۰۷: ۹۹- ۹۸ ؛ ابن ادریس،۱۴۱۰: ۵۰۲-۵۰۱؛ محقق داماد،۱۳۷۴: ۴۶) و گروهی دیگر بر خلاف این موضوع عقیده دارند و خود مستقیما تعریفی از حرز ارائه داده اند(فیومی مقری،۱۴۱۸ :۷۱ ؛ابن زهره،۱۳۷۵:۴۳۰ / شیخ طوسی،۱۴۰۰: ۴۱۷). به هرترتیب با جمع مطالب پیش گفته می توان دو تعریف برای حرز ارائه داد، اول اینکه حرز عبارت است از، هر جایی که اموال در آن جا، به خاطر مواردی همچون بسته و قفل بودن یا دفن شده در زمین، از دسترس مردم دور نگه داشته شده است.(ایزدی فر،۱۳۹۵: ۱۷۹-۱۷۸) دوم حرز شی هر مکانی است که در عرف آن را به عنوان جایی برای محافظت از آن شی به شمار می آورند و چون در شریعت اشاره و تصریحی به آن نشده است ، ناگزیر می بایست ، مفهوم و معنای آن را به عرف جامعه واگذار کرد(حسین نژاد،۱۳۹۲: ۲۲۸-۲۲۷).

اما آن دسته از افراد که اعتقاد به حدی بودن سرقت اینترنتی دارند در رابطه با مفهوم حرز در سرقت اینترنتی عنوان می کنند که حرز در سرقت اینترنتی از لحاظ مصداق با حرز در سرقت سنتی متفاوت است، بدین شکل که در این نوع سرقت، بر اساس عرف می توان رایانه و فایل ها را برای داده های الکترونیک، حرز و محل نگه داری دانست؛ از طرفی دیگر با توجه به اینکه اکثر فقها تشخیص حرز را به عرف واگذار کرده اند ، می توان این چنین گفت که دستیابی و وارد کردن رمز و دسترسی به فایل های رمز گذاری شده، همان هتک حرز فایل ها به حساب می آید و چنانچه شخصی مرتکب این عمل شود، سارق اینترنتی نامیده می شود(ایزدی فر،۱۳۸۹: ۶۰-۵۹).

### ۱-۲. تعریف و ارکان فقهی و حقوقی کلاهبرداری سنتی و اینترنتی

در این بخش ابتدا مفهوم و سپس تعریف فقهی و حقوقی کلاهبرداری سنتی ارائه می شود و در بخش های بعد به بررسی انواع کلاهبرداری اینترنتی ، مصادیق آن و جرایم وابسته و تفاوت و شباهت بعضی از مصادیق این جرم با سرقت اینترنتی خواهیم پرداخت.

عموم فقها در رابطه با کلاهبرداری به این تعریف تاکید دارند: «احتال فی أخذ الأموال بوسائل کتزویر الأسناد أو الرسائل و نحو ذلک»(محقق حلی،۱۴۰۸: ۱۶۹؛ فاضل موحدی لنکرانی،۱۳۸۱ : ۶۸۲؛ خوئی، ۱۴۲۸: ۴۱۴ ؛ نجفی،۱۳۶۲: ۵۹۶ ؛ خمینی،۱۳۹۲: ۵۲۸) ، بدین معنی که کلاهبرداری یعنی:« گرفتن مال دیگری بوسیله اسناد و نوشته های غیر واقعی یا همان نوشته ها و اسنادی که مبتنی بر مکر و تزویر است یا به طرق دیگر».در منابع فقهی و در ادامه تعریف کلاهبرداری آمده که : «فلیس علیهم حد وانما یعزرون»، بدین معنا که حد بر این دسته از افراد جاری نمی شود بلکه همگی تعزیر می شوند.

نکته مهمی که در اینجا آشکار می شود این است که بر اساس حقوق اسلام ، عمل کلاهبرداری یک جرم تعزیری است، از همین رو کلاهبرداری اینترنتی نیز یک جرم تعزیری خواهد بود نه حدی. بر اساس همین تعریف و مبنایی که فقها برای کلاهبرداری در نظر گرفتند، قانون گذار ما نیز در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ در ماده (۱)، کلاهبرداری سنتی را جرم انگاری کرده است. هر چند که ، ما نمی توانیم تعریف کلاهبرداری را در این قانون یا دیگر قوانین مشاهده کنیم، اما با نگاه به متن ماده مذکور و مصادیق مندرج در آن در می یابیم، این جرم انگاری بر اساس تعریف فقهای امامیه از کلاهبرداری بوده و بر همین اساس در تعریف کلاهبرداری می توان گفت: « کلاهبرداری یعنی بردن مال دیگری از طریق توسل همراه با سوء نیت به وسایل یا عملیاتی متقلبانه»(میرمحمدصادقی،۱۳۹۶: ۵۶).

پس از ارائه تعریف کلاهبرداری سنتی، به تعریف کلاهبرداری اینترنتی و در قسمت بعد به مطرح کردن مصادیق خواهیم پرداخت تا به این مطلب پی ببریم که قانون گذار ما در رابطه با کلاهبرداری و سرقت اینترنتی ، تا چه میزان از مبانی فقهی استفاده کرده است .

کلاهبرداری اینترنتی از آن دسته از جرایم است که به دلیل خصوصیات ویژه ای که دارد، در بعضی مسائل و مصادیق همچون فضای ارتکاب و وسیله ارتکاب، اصول حقوقی و قانونی حاکم ، کلاهبرداری سنتی را با چالش های جدی مواجه کرده است. کلاهبرداری اینترنتی و سنتی از لحاظ ظاهر امر و نتیجه دارای شباهت می‌باشد، اما موردی که باعث تمایز این دو از یکدیگر می‌شود فرآیند ارتکاب جرم و ارکان تشکیل دهنده آن است که این امر سبب می‌شود که از این دو جرم به عنوان جرایم مستقل از یکدیگر نام برده شود(T.wells,2009:ix).

کلاهبرداری اینترنتی با شکل سنتی تقلب و کلاهبرداری تا حدودی شباهت دارد، زیرا رفتارهای فریبنده باعث آسیب مالی به افراد بی‌گناه می‌شود(گرکی،۱۳۸۹: ۹۵-۹۴). با وجود شباهت میان این دو ، اما کلاهبرداری اینترنتی اساسا تغییر یافته است (vasiua,2003: 973-974). تقلب و کلاهبرداری اینترنتی دارای خصوصیاتی است که کاملا متفاوت از تقلب و کلاهبرداری‌های سنتی هستند مثل: ناشناس، لحظه‌ای و قابل دسترس بودن.یکی از نادرترین تلاش‌ها برای تعریف تقلب و کلاهبرداری اینترنتی توسط ویلیامز انجام شده است ،وی تقلب در اینترنت را،"هر اقدام ناعادلانه یا فریب می داند که با استفاده از اینترنت یا با فناوری‌هایی که از اینترنت پشتیبانی می کنند، انجام می‌شود"(chung,2008:37) .

تعریف جامع دیگری که بطور فزاینده‌ای توسط تعداد زیادی از سازمان‌های مجری قانون در اکثر کشورهای جهان پذیرفته شده است، توسط اتحادیه ملی مصرف کنندگان ایالات متحده (The US National Consumers League) ارائه شده است، این اتحادیه کلاهبرداری اینترنتی را به شرح زیر تعریف می کند(Z. Celentano,2000: 69-70) :

«هر طرح جعلی و متقلبانه که در آن یک یا چند جزء اینترنت، مانند وب سایت‌ها، اتاق‌های گفتگو(چت روم ها) و پست الکترونیکی ، نقش مهمی را در ارائه کالاها یا خدمات غیر موجود به مصرف‌کنندگان، ارتباط جعلی در مورد طرح‌ها ، انتقال وجوه قربانیان و یا سایر موارد دارای ارزش برای کنترل عاملان این طرح، ایفا می‌کنند، کلاهبرداری نامیده می شود». از جمله ایراداتی که بر این تعریف وارد است می توان به

عبارت طرح جعلی و متقلبانه اشاره کرد، زیرا الزاما فقط طرح متقلبانه سبب کلاهبرداری نیست و یک عمل یا رفتار نیز می تواند مسبب کلاهبرداری شود.

با نگاه به ماده (۱۳) قانون جرایم رایانه ای متوجه می شویم که قانونگذار برای جرم انگاری کلاهبرداری اینترنتی ،همان مبنا و تعریف فقهی کلاهبرداری را اتخاذ کرده، از همین رو نکات مهمی در رابطه با شباهت و تفاوت، ماده (۱۳) قانون مذکور و ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری و مبانی فقهی این جرم وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

**۱-۲-۱. تحلیل ارکان کلاهبرداری سنتی و اینترنتی**

در این قسمت به بررسی نکاتی مهم که مرتبط با ارکان این دو جرم و ماهیت آن هاست می پردازیم.

همان طور که می دانیم یکی از مهمترین ارکان جرم کلاهبرداری « تقلب » می باشد.در اصطلاح لغوی، تقلب به معنای تصرف و دغل در کاری به نفع خود و به ضرر دیگری آمده است(عمید،۱۳۵۷،ج۱ :۶۰۲) و در زبان عربی و متون فقهی به معنی احتیال است(مصطفی،۱۹۸۹، ج۲: ۷۵۳) . با مطالعه آثار نویسندگان داخلی می توان این برداشت را کرد که در اصطلاح حقوقی ، تقلب ، به فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود که به قصد ضرر رساندن به حقوق دیگری یا به قصد نقض قانون (تقلب نسبت به قانون) صورت گیرد(اخوان فرد،۱۳۹۲: ۱۹۱-۱۸۹).

در این قسمت خالی از لطف نیست به جهت درک بهتر مطلب نگاهی به معنای تقلب در حقوق دیگر کشورها مثل آمریکا و انگلستان داشته باشیم. در اصطلاح حقوقی این دو کشور، تقلب را می‌توان به عنوان «نمایش نادرست با استفاده از یک بیانیه یا رفتار انجام شده بصورت آگاهانه یا از روی بی‌ملاحظگی برای بدست آوردن مزیت مادی» تعریف نمود(law,2009:239-240).

با توجه به مسائل پیش گفته مشخص شد ، ارکانی همچون فریب و تقلب در کلاهبرداری و همچنین تعلق مال به دیگری و مال بودن موضوع جرم از جمله ارکان کلیدی برای بوقوع پیوستن کلاهبرداری سنتی می باشند. لذا با توجه به مطالب پیش گفته ،

ممکن است بر این موضوع تاکید شود که الزاما می بایست در تعریف کلاهبرداری اینترنتی از مبانی شکل سنتی جرم مذکور استفاده شود، که در جواب باید عنوان کرد ، به طور مثال در کلاهبرداری سنتی که عنصر فریب از مهمترین ارکان تشکیل دهنده این جرم است ، اگر شخصی ، مال دیگران را بدون اعمال فریبکارانه و فریب خوردن آن ها ببرد، عمل وی نمی تواند عنصر مادی کلاهبرداری باشد و لذا ممکن است عمل وی تحت عناوینی همچون سرقت ، خیانت در امانت یا دیگر جرایم قرار گیرد. اما در کلاهبرداری اینترنتی بر خلاف کلاهبرداری سنتی، چون طرفین با هم در تماس نیستند تا بتوانند یکدیگر را فریب دهند و طرفین ، بخصوص مرتکب، در اینجا صرفا با کامپیوتر و فضای اینترنت در تماس است ، نمی توان گفت که یک انسان، فریب خورده ، بلکه در اینجا ما با کامپیوتر یا فضای اینترنت رو برو هستیم (دزیانی،بی تا :۵۵). بعضی در تایید این موضوع ،اعتقاد دارند که تاکید بر فریب خوردن در عنصر مادی این جرم نشان دهنده این است که قانونگذار فریب خوردن را برای یک انسان امکان پذیر می داند نه کامپیوتر(خرم آبادی،۱۳۸۶: ۹۲- ۹۱) ، اما برخی دیگر اعتقاد دارند با توجه به موضوع ماده (۶۷) قانون تجارت الکترونیکی ، می توان فریب خوردن ماشین و کامپیوتر را نیز متصور بود(میرمحمدصادقی،۱۳۸۶: ۱۱۳). در نقد نظر اخیر باید عنوان کرد که، منظور از فریب خوردن موضوع این ماده همان کلاهبرداری رایانه ای سنتی به این معناست که مرتکب وسیله متقلبانه را با رایانه فراهم کرده است مثل حالتی که مرتکب با کامپیوتر اقدام به جعل مدرکی کند تا دیگری را فریب دهد و بر این اساس چنین مواردی از شمول ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری خارج شده است، از طرفی نیز باید به این نکته توجه داشت که عنوان کلاهبرداری با شرایط خاص ،منصرف به حقوق کیفری ایران است و بطور دقیق بر واژه"fraud" منطبق نیست، زیرا معنای اصلی این کلمه تقلب است و در تقلب بر خلاف کلاهبرداری ،در همه مصادیق، فریب قربانی شرط به وقوع پیوستن جرم نیست(سالاری،۱۳۹۳: ۲۵۹). با توجه به مسائل پیش گفته به نظر می رسد نظر اول یعنی عدم فریب خوردن کامپیوتر با واقعیت منطبق تر می باشد و نیازی به اثبات فریب سامانه وجود ندارد زیرا ضعف و ناکارآمدی کامپیوتر یا وسیله مرتبط با اینترنت در مواجه با عملیات و

مانور متقلبانه شخص کلاهبردار، خود نشان دهنده فریب خوردن سامانه می باشد، لذا با توجه به همین دلایل است که ماده(۱۳) به بحث فریب اشاره نکرده است(بیگله،۱۳۹۱: ۴۱-۴۰). همین عمل نشان دهنده این باور قانونگذار است که، فریب خوردن فقط مختص انسان است و فریب به شکلی که تعریف آن را متصور هستیم برای سیستم های کامپیوتری اتفاق نمی افتد.

پس از بررسی تعریف و مبانی فقهی ، حقوقی کلاهبرداری سنتی و اینترنتی لازم است به بررسی مصادیق کلاهبرداری و سرقت اینترنتی پرداخته شود تا پس از آن با جمع بندی مطالب ، میزان تطبیق پذیری قوانین اسلامی که شکل سنتی این جرایم را در خود جای داده با شکل نوین این جرایم مشخص گردد .

## ۲. نوع شناسی کلاهبرداری و سرقت اینترنتی

در این قسمت سعی بر آن است که مصادیقی خاص از کلاهبرداری و سرقت اینترنتی مورد بررسی قرار گیرند. هدف از مطرح کردن این بحث مشخص شدن ماهیت بعضی از مصادیق است، زیرا بعضی از آن ها هم می توانند به سرقت تعمیم داده شوند و هم به کلاهبرداری.از طرف دیگر در قوانین داخلی ما به این موارد اشاره ای نشده و صرفا جرم اصلی که همان سرقت و کلاهبرداری است ،بدون توجه به مصادیق و وجه تمایزشان با یکدیگر، جرم انگاری شده است.

### ۲-۱. مصادیق کلاهبرداری اینترنتی

علت مطرح کردن این موضوع آن است که همانطور که در قسمت قبل عنوان شد ، برای ارائه تعریف جامع و مانعی که در طول زمان، قابلیت تطبیق با پیشرفت فناوری و تغییر روش ها و شرایط ارتکاب جرم را داشته باشد ، لازم است تعریف ، مبنای جرم و مصادیق آن ها نیز شناخته شود تا در صورت لزوم در طول زمان همگام با تکنولوژی روز دنیا، برای جرم انگاری هر یک از مصادیق، ماده قانونی جداگانه با شرایطی متفاوت در قوانین داخلی در نظر گرفته شود.

مهمترین و فراگیرترین مصادیق کلاهبرداری اینترنتی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱- سرقت هویت ۲-کلاهبرداری فروش آنلاین ۳- فیشینگ۴- کلاهبرداری به وسیله کارت های اعتباری. در حالی که بحث در رابطه با جزئیات هر یک از این مصادیق فراتر از موضوع این مقاله است،اما به دلیل اینکه بعضی از مصادیق از لحاظ فنی بسیار شبیه به هم هستند، توضیح مختصری از هر نوع در جهت مشخص شدن ویژگی های و چرایی دسته بندی آن ها در زمره جرایم زیر مجموعه کلاهبرداری،ارائه خواهد شد.

**۲-۱-۱. سرقت هویت**

این جرم نوعی حیله و تقلب در رابطه با هویت یک شخص دیگر است تا مرتکب از طریق آن هویت، مال یا منافعی بدست آورد. باید به این موضوع توجه داشت که سرقت هویت ، عنوان جداگانه از سرقت اینترنتی دارد و به دلیل اینکه ماهیت این جرم مبتنی بر دروغ و حیله است ،عموما از آن به عنوان یکی از جرایم زیر مجموعه کلاهبرداری اینترنتی نام برده می شود(میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۴۶-۴۵). تعاریفی که از این جرم به عمل آمده نیز موید این است که شاید بهتر بود به جای استفاده از "سرقت هویت"، از عبارت" کلاهبرداری هویت" استفاده می شد ،زیرا کلاهبرداری عموما و نه الزاما از نتایج سرقت هویت است(طیبی،۱۳۹۴: ۷۹). در تکمیل این موضوع باید توجه داشت که سرقت هویت هم در فضای اینترنت و هم در فضای واقعی یا همان عالم واقع صورت پذیرد، از همین رو نمی تواند زیر مجموعه سرقت اینترنتی قرار گیرد جز در حالتی که شخص از طریق ربودن، اقدام به دستیابی به اطلاعات دیگران کند که در این مورد می توان گفت بدلیل فقدان نص قانونی در باب سرقت هویت ، می توان عمل وی را سرقت اینترنتی یا رایانه ای نامید.

در رابطه با تعریف این جرم می توان به تعریفی که قانون جرایم رایانه ای فدرال آمریکا از این جرم ارائه داده استناد کرد، بر اساس بخش (۱۰۲۸) این قانون: انتقال ،در تصرف داشتن یا استفاده آگاهانه و بدون اجازه قانونی از وسیله شناسایی شخص دیگر که همراه با سوء نیت باشد و برای تشویق کردن یا کمک کردن برای انجام کارهای مرتبط با فعالیت های غیر قانونی و مجرمانه انجام گیرد سرقت هویت نامیده می شود :M. Finklea,2012 )

(2.درتعریف دیگری که آکادمی اروپا[1]ارائه داده ، عنوان شده: «سرقت هویت، زمانی رخ می دهد که یک آدم دغل باز وحیله گر با به دست آوردن اطلاعات و اسناد متعلق به شخص دیگر، خود را به عنوان او جا بزند»،این تعریف فقط دسترسی و استفاده غیر مجاز از هویت را در بر می گیرد و از این جهت دارای اشکال است، زیرا ممکن است کسی بدون آنکه اقدام به سرقت هویت دیگری از طریق اینترنت کرده باشد مرتکب کلاهبرداری هویت شود ، مانند حالتی که شخصی خود را با عنوان مجعول دولتی یا نظامی معرفی کند و از طریق فریب دیگری اموالش را ببرد(Koops,2006: 553) . لذا بنظر بهتر است در تعریف این جرم عنوان شود که «سرقت هویت زمانی رخ می دهد که یک آدم دغل باز وحیله گر با به دست آوردن اطلاعات و اسناد متعلق به شخص دیگر یا استفاده و جعل آن اطلاعات، خود را به عنوان شخص دیگری جا بزند».

در قوانین کشور ما ، این عمل جرم انگاری و تعریف نشده است،اما می توان در بعضی از قوانین سنتی ، موارد متعددی را یافت که از لحاظ تعریف و ساختار شبیه به سرقت یا کلاهبرداری هویت هستند، که در این قسمت به مواردی که درصد مشابهت بیشتری دارند اشاره خواهیم کرد.از جمله این موارد می توان موارد ذیل را عنوان کرد: قانون تخلفات جرایم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۳۷۰ در مواد(۲و۵) ، که استفاده از شناسنامه شخص دیگر، جعل هویت و دریافت شناسنامه موهوم را جرم انگاری کرده است و همچنین ماده۳۷ قانون گذرنامه ، که دریافت گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه با اسناد و مدارک جعلی را جرم دانسته است.

نکته مهمی که دراینجا باید عنوان کرد این است که سرقت هویت یا کلاهبرداری هویت که عنوان منطقی تری است، دستیابی به اطلاعات دیگران و سوء استفاده از آن می باشد و دستیابی به اطلاعات هویتی دیگران می تواند از طرق مختلف ازجمله هک و ربایش داده صورت پذیرد، بنابراین صرف دستیابی به اطلاعات دیگران جرم محسوب

1 . European academy

نمی شود مگر آنکه رفتارهای شخص، مصداقی از سایر رفتارهای بزهکارانه مانند سرقت یا کلاهبرداری اینترنتی باشد.

**۲-۱-۲. کلاهبرداری فروش آنلاین[1]**

این نوع کلاهبرداری افرادی را که اقدام به خرید در فضای اینترنت می‌کنند، گرفتار می‌کند. اصولاً در خرید های اینترنتی تا زمانی که پول توسط خریدار واریز نشود، فروشنده اقدامی برای تحویل دادن خرید به وی انجام نمی‌دهد و همین مساله خود، علتی برای کلاهبرداری فروش آنلاین شده است. در این نوع کلاهبرداری بزهکار فروشگاه مجازی راه اندازی می‌کند و ادعای فروش محصولاتی را دارد و دیگری بدون اطلاع از وضعیت این فروشگاه اینترنتی اقدام به پرداخت وجه و خرید می‌کند غافل از اینکه قرار نیست هیچ چیزی برای وی ارسال شود یا جنس با مشخصات ذکر شده هماهنگ نیست. برای درک گسترگی این نوع از کلاهبرداری می توان به آخرین گزارشی که مرکز رسیدگی به شکایات جرایم اینترنتی در آخرین گزارش خود که در سال ۲۰۱۷ ارائه داده است توجه کرد، بر اساس این گزارش حدود ۸۴۰۷۹ نفر در امریکا گرفتار این نوع کلاهبرداری شده اند ،که این نشان دهنده تمایل کلاهبرداران برای استفاده بیشتر از این روش می باشد (Internet crime complaint center,2017:20-21). قانونگذار آمریکا نیز در راستای جرم انگاری و مجازات کلاهبرداری اینترنتی و جرایم وابسته به مواد ( ۱۰۲۸ A-۱۰۲۸- ۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۷-۱۳۴۳) از بخش ۱۸ قانون جزای فدرال استناد می کند.

**۲-۱-۳. فیشینگ[2]**

فیشینگ ترکیبی از پیشرفت فناوری و مهندسی اجتماعی است که به طور کلی به خلق و استفاده از ایمیل یا وب سایت توسط بزهکاران به قصد جمع آوری اطلاعات شخصی و مالی اطلاق می‌شود (Binational working group,2006:4 )این نوع کلاهبرداری که یکی از شناخته شده ترین نوع از انواع کلاهبرداری های اینترنتی است به این شکل صورت می گیرد که بزهکار با ساختن صفحه ای دقیقاً شبیه به سایت اصلی یا با فرستادن ایمیل به

1 . Fraudlent sales online
2 . phishing

افراد، این طور وانمود می‌کند که ایمیل از یک سازمان یا ارگان قانونی مثل بانک ارسال شده است. در این ایمیل ذکر می شود که سازمان مذکور لازم می‌داند برای انجام کارهای اداری یا برنده شدن جایزه، اطلاعات هویتی و بانکی خود را از طریق همین ایمیل ارسال یا تایید کنید. (W. Brenner ,2010:42 ).

**۲-۱-۴. کلاهبرداری به وسیله کارت های اعتباری[1]**

در این نوع کلاهبرداری فرد بدون اجازه دیگری و به طور غیر قانونی اطلاعات مربوط به کارت اعتباری را به دست

می‌آورد و از این طریق پول وی را به دست می‌آورد.این اطلاعات از راه های مختلفی به دست می آیند همچون سایت های جعلی و نا ایمن یا دستگاه اسکیمر ( kunz,2004:13) که در این نوع کلاهبرداری بزهکار دستگاهی را در قسمت ورودی کارت دستگاه خود پرداز قرار می‌دهد و این دستگاه اطلاعات کارت را در خود ذخیره می‌کند اما رمز ورود را نمی‌تواند در خود ذخیره کند که در اینجا معمولاً بزهکار با حضور در کنار دستگاه رمز وارد شده توسط شخص را به دست می‌آورد، پس در صورت موفقیت آمیز بودن این کار؛ اطلاعات را بر روی کارت خام وارد می‌کند و از این طریق می‌تواند با وارد کردن کارت در دستگاه خود پرداز پول صاحب اصلی کارت را به دست آورد .

**۲-۲. مصادیق سرقت اینترنتی و مفاهیم مشابه**

در قسمت های قبل،تعریف و مبانی فقهی حقوقی سرقت سنتی و اینترنتی و همچنین وجه تمایز این دو جرم مورد بحث قرار گرفت. لذا در این قسمت قصد داریم تا انواع سرقت اینترنتی ومفاهیم مشابه آن را تحلیل کنیم.از جمله فراگیر ترین انواع سرقت اینترنتی می توان به مواردی همانند سرقت نرم افزار ها ،سرقت از حساب بانکی ، سرقت از دستگاه های خود پرداز، سرقت از کارت های بانکی اشاره کرد، همچنین مواردی مانند سرقت هویت[2] سرقت اطلاعات و داده های مالی، هک کردن[3]و وب جکینگ[4]نیز مواردی

1 . Credit card fraud
2 . Identity Theft
3 . Hacking
4 . Web Jacking

هستند که از لحاظ ساختاری و مبنایی در زمره جرایم مشابه سرقت اینترنتی قرار می گیرند.از این موارد فقط دو مورد هک کردن ، و وب جکینگ دارای ابهامات و ویژگی های پیچیده فنی و حقوقی می باشند، که در ادامه به تحلیل این دو خواهیم پرداخت .

**۲-۲-۱. وب جکینگ**

از جمله مصادیق سرقت اینترنتی وب جکینگ نام دارد که تا حدودی شبیه فیشینگ است ، با این تفاوت که در فیشینگ ، کاربر اینترنت به سایتی که شبیه به سایت اصلی است وارد می شود اما در وب جکینگ عملا نام یا آی پی آن سایت دزدیده شده و وب جکر کنترل آن سایت اصلی را در اختیار می گیرد. (J. McGillivray,2001:1669 )

**۲-۲-۲. هک کردن ۱**

هک کردن چند معنی دارد، یکی بررسی کردن و دسترسی پیدا کردن به سیستم های کامپیوتری می باشد که افرادی با توانایی علمی و فنی در زمینه برنامه نویسی و سخت افزار را شامل می شود که موفق به دسترسی و دگرگونی در کامپیوتر قربانی می شوند. تعریف دیگر ، کپی کردن غیر مجاز داده ها و اطلاعات شخصی، مالی و تجاری را هک کردن می نامد(Robinson,2012:21)

هر چند در قوانین داخلی تعریفی از هک ارائه نشده اما شاید بتوان عنوان کرد که عنصر قانونی این جرم ماده (۱) قانون جرایم رایانه ای است که در آن دسترسی غیر مجاز به داده ها و سیستم های رایانه ای ذکر شده است، لذا بر همین اساس قانونگذار ما صرف هک کردن را جرم مطلق می داند و تفاوتی میان هکر خوب و بد در بحث جرم انگاری قائل نشده ، اما در رابطه با مجازات این دو نوع هکر می توان با استناد به ماده (۳۸) عنوان کرد که امکان تخفیف مجازات هکر سفید یا خوب وجود دارد. البته ممکن است عمل هک کردن منتهی به یکی از اعمال مجرمانه مندرج در قانون ،مثل سرقت ، کلاهبرداری شود،لذا در این موارد بحث تعدد مادی پیش می آید . با توجه به توضیحات گفته شده مشخص می شود که هک کردن می تواند نوعی وسیله باشد که برای انجام یکی از جرایم مندرج در

۱ - علت اینکه هک کردن ذیل مصادیق سرقت اینترنتی آورده شده ، این است که عموم منابع معتبر لاتین، آن را ذیل بحث سرقت اینترنتی آورده اند.

قانون استفاده می شود. اما موضوع مهمی که در اینجا باید به آن توجه داشت، نوع هک کردن نیست ، بلکه نتیجه اعمال آنهاست، زیرا هر کدام می توانند با یک یا چند عنوان مجرمانه هم خوانی داشته باشد ، از همین رو بر ما لازم است که دریابیم هر یک از انواع هک ، ذیل عنوان کلاهبرداری اینترنتی یا سرقت اینترنتی قرار می گیرد تا درجرم انگاری و مجازات، عکس العمل قانونی متناسبی داشته باشیم.

### ۳. کلاهبرداری و سرقت اینترنتی از منظر منابع حقوق اسلامی

در این بخش از مقاله به دنبال این هستیم تا از طریق بررسی و تحلیل منابع حقوق اسلام یعنی عقل ،اجماع،سنت،کتاب و قیاس به طور خاص،دریابیم که هر کدام چطور و چگونه می توانند توجیهی برای تطبیق قانون جزای اسلامی با جرایم نوین کلاهبرداری و سرقت اینترنتی باشند، از همین رو هم نظرات فقهای شیعه و هم نظرات فقهای اهل سنت مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

حقوق جزای اسلامی بخشی از حقوق کلی اسلام است که به عنوان یک قانون الهی می بایست مورد توجه حکومت قرار گیرد. بر اساس مبانی فقه شیعه ،اساس قانون درحقوق اسلام ، کتاب ، سنت، عقل و اجماع است(نصیری،۱۳۸۹ :۴) ، اما فقه اهل سنت، قرآن و سنت را به عنوان منبع اصلی قانون دانسته و اعتقاد دارند، منابع ثانویه می بایست تحت عنوان اجتهاد مطرح شوند که عمدتا شامل اجماع و قیاس می‌شود(B.adigun,2004: 7-8 ). اهل سنت اجماع را به معنی موافقت به اتفاق آرای علمای دینی در قضاوت قانونی در هر زمان پس از مرگ پیامبر می دانند، تا مسائلی را حل کنند که در مورد آن در قرآن یا سنت مقرره‌ای وجود ندارد لذا تصمیم اجماع عمومی را می‌توان تا زمانی پذیرفت که با مقررات قرآن و سنت تناقض نداشته باشد(فخررازی،۱۴۲۰: ۱۱۴– ۱۱۳). اما فقهای و اصولیون شیعه اعتقاد دارند که اجماع موافقت نظر و اتفاقی است که بر گرفته از رای امام معصوم

۱ – بعضی از فقهای شیعه همانطور که در طول بحث خواهیم گفت قیاس به مفهومی که اهل سنت از آن ارائه می دهند را رد می کنند و فقط قیاس منصوص العله و مستنبط العله قطعی را مورد تایید قرار داده اند.

باشد(میرزای قمی،۱۳۷۸،:ج۱ :۳۷۳) و عنوان می کند چنانچه کاشف از رای معصوم باشد می تواند دلیلی مستقل باشد و در غیر این صورت نمی تواند آن را دلیل مستقل دانست(ساعدی،۱۳۸۴: ۱۵۷- ۱۵۶). با توجه به تعاریف گفته شده مشخص می شود که ، شیعیان و اهل سنت در تعریف و ماهیت اجماع نیز با هم اختلاف دارند به شکلی که اهل سنت اجماع را دلیلی جانبی و ثانویه بر کتاب و عقل و سنت و بدون خطا می دانند ولی فقهای امامیه اعتقاد دارند که اجماع کاشفی است از سنت(قدسی،۱۳۸۷: ۳). به هر ترتیب چیزی که مشخص است وحدت نظر هر دو گروه بر اعتبار اجماع است اما با تعاریف مختلف.

در رابطه با کتاب به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق اسلامی باید عنوان کرد که،قرآن کلمات خداوند است که در طول عمر حضرت محمد (ص)، به تدریج از طریق فرشته وحی بر ایشان نازل شده است. در قرآن، خداوند متعال چنین بیان می‌دارد که: «وزن و مقدار درست را بدهید، و چیزهایی که متعلق مردم است را از آن‌ها دریغ نکنید» (الاعراف: ۸۵). بطور خاص، هر گونه تلاش برای تقلب و کلاهبرداری در معاملات کسب و کار، به شدت مورد نکوهش خداوند متعال است. این آشکارا در آیه زیر بیان شده است: «وای بر مطففین (کم‌فروشان) (کلاهبرداران)، این‌ها کسانی هستند که وقتی از مردم پیمانه می گیرند خوب می گیرند و لیکن وقتی که به ایشان پیمانه می‌دهند یا برای مردم وزن می کنند کم می گذارند»( مطففین: ۱-۳).

مفهوم سنت نیز این است که سنت در دیدگاه فقهای اهل سنت به معنی سخنان، اعمال و اقدامات انجام شده با تصویب حضرت محمد می باشد(سیوطی،۱۴۰۹،ج۱: ۲۳) و حتی قول صحابه ایشان را نیز حجت دانسته اند(تقی پور، ۱۳۸۹: ۲۱۷). اما از نظر فقهای شیعه اعمال و سخنان و تقریرات امامان معصوم و پیامبر اسلام ،جملگی سنت را تشکیل می دهند(خرمشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۷). حضرت محمد (ص) فعالیت‌های جعلی و رفتارهای متقلبانه در رفتار مسلمانان نسبت به مسلمانان و غیر مسلمانان را به یک اندازه ممنوع اعلام می کند. در این رابطه، ایشان چنین بیان داشته اند که:«علائم منافق سه مورد است: سخن به دروغ می گوید ؛ از وعده تخلف کند و در امانت خیانت کند»(پاینده،۱۳۸۲: ۱۵۶). این حدیث به

همراه دیگر منابع گفته شده نشان دهنده این است که متقلب به عنوان یک مسلمان محسوب نمی‌شود و توضیح می‌دهد که اسلام تا چه حد تقلب و کلاهبرداری را ممنوع کرده است.

عقل نیز که یکی دیگر از منابع مورد تایید فقهای شیعه برای حقوق اسلامی است ، هنگامی مورد استفاده قرار می گیرد که کتاب و سنت نسبت به موضوعی ساکت باشند ، به شکلی که در این حالت ، عقل، مصلحت یا مفسده ای را در می یابد و به دنبال آن امری الزامی صادر می کند که این امر سازگار با شرع و کاشف از اراده خداوند است ،از همین رو احکام قطعی و الزامی صادره از عقل ، حجت هستند(سعادت،۱۳۸۹: ۵۴).از جمله روایاتی که در تایید حجیت عقل می توان به آن ها استناد کرد، دو روایت از امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) است که در آن ها اعتبار حجیت عقل و حجیت پیامبران و امامان مورد تایید قرار گرفته است (کلینی،۱۳۸۷: ۲۱و۴۳).با توجه به مسایل پیش گفته واضح است که عقل ،جرایمی را که ،علیه اموال انسان ارتکاب می یابد نکوهش می کندو قابل مجازات می داند ، حال چه آن جرم در کتاب و سنت آورده شده باشد چه نیامده باشد، مثل جرایم سرقت و کلاهبرداری اینترنتی.

منبع بعدی قیاس است که در دیدگاه فقهای اهل سنت بدین معنی است که اگر منابع اصلی نتوانند قاعده‌ای برای حل مسئله ارائه دهند، استدلال قانونی را می‌توان با ایجاد شباهت (در مورد موضوع و قصد قانون) با یک موضوعی که در مورد آن حکم وجود دارد، برای حل این مشکل استفاده نمود(E.okon,2012:107-108 ). به عنوان مثال بر اساس نظر فقهای اهل سنت، مواد مخدر نه در قرآن و نه در سنت ذکر نشده‌اند، با این حال، علما و حقوقدانان سنی(الزرکشی،۱۴۱۱: ۱۲۰-۱۱۹؛ شرف الحق العظیم آبادی،۱۳۸۸،ج۱۰: ۱۲۸-۱۲۷) معتقدند که، همان مبنای قانونی که در مورد الکل(یعنی زایل نمودن عقل)در منابع اسلامی وجود دارد، در مورد مواد مخدر نیز قابل استفاده است ، پس بنابراین مواد مخدر نیز در شریعت اسلام ممنوع و بعضا حرمت دارد(انصاری،۱۳۹۳ :۸۳) ، همچنین فقهای اهل سنت اعتقاد دارند که در زمینه جرم و مجازات، استفاده از قیاس مجاز است و بطور کلی، کاربرد آن به عنوان یک منبع قانون اسلامی در تمام احکام مربوط به

پرونده‌های جنایی یا سیاست‌های جنایی می تواند مورد توجه و استفاده قرارگیرد( MacGregor,2006:36-37). اما از دیدگاه اصولیون امامیه ، قیاس اجرای حکم اصل در فرع است به این دلیل که علتی مشترک وجود داشته که مسبب ثبات حکم در اصل بوده است(میرزای قمی،۱۳۷۸، ج۱: ۴۷۱). البته در کنار مطالب یاد شده خارج از لطف نیست که به این نکته اشاره شود که قیاس به دو نوع منصوص العله و مستنبط العله تقسیم بندی می شود که فقهای امامیه اصولا قیاس منصوص العله را حجت می دانند(علامه حلی،۱۴۰۴: ۲۱۸) و البته گروهی نیز آن را مردود دانسته اند(عاملی،۱۴۱۰: ۲۲ / طوسی،۱۴۱۷: ۶۷۸-۶۷۶) و در مورد قیاس مستنبط العله ، نیز بعضی از فقها اعتقاد دارند که فقط قیاس مستنبط العله قطعی حجت است و قیاس مستنبط العله ظنی مورد تردید قرار گرفته است(نقیبی،۱۳۸۸ :۳۶). با توجه به مطالب پیش گفته در می یابیم که قیاس منصوص العله و مستنبط العله قطعی ، مورد تایید فقهای امامیه هستند، به همین دلیل حقوق دانان ما نیز به تبعیت از آنها این دو مورد را در نظریات خود به کار می برند.

از همین رو برای بررسی جرم بودن یا نبودن سرقت وکلاهبرداری اینترنتی از دیدگاه فقه و همچنین مشخص کردن تعزیری یا حدی بودن سرقت اینترنتی و مسائل مرتبط با آن ها ، می توان با استفاده از قیاس مورد تایید در کنار دیگر منابع، حکم این جرایم راپیدا کنیم، و حکمی که در مورد مواد مخدر و شرب خمر و انواع آن ها جاری است را برای جرایم سرقت و کلاهبرداری اینترنتی و مصادیق مختلف آن بکار برده و جرایم اینترنتی را در زیر مجموعه تعزیرات قرار دهیم.البته نکته مهمی که در انتهای بحث قابل ذکر است، موضوع تبدیل شدن مجموع بعضی رفتارهای تعزیری به جرم حدی است. بدین شکل که در ماده (۴) قانون تشدید مجازات مرتکبیت اختلاس ، ارتشاء و کلاهبرداری عنوان شده ، در صورتی که عمل کلاهبرداری که خود جرم تعزیری است، به شکل گسترده یا از طریق تشکیل شبکه های سازمان یافته صورت گیرد ، مصداق افساد فی الارض محسوب می شود که یک جرم حدی است . پس می توان دریافت در صورت وجود شرایط قانونی چنانچه سرقت و کلاهبرداری اینترنتی نیز به صورت باندی و شبکه ای و به صورت گسترده

ارتکاب یابند ، امکان این وجود دارد که عنوان مجرمانه تعزیری عمل ارتکابی به عنوان مجرمانه حدی افساد فی الارض تغییر کند.

## نتیجه گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل قبلی، سرقت، تقلب و کلاهبرداری اینترنتی از جرایمی هستند که در طیف جرایم تعزیری قرار دارند که قانونگذار حق دارد مجازات هایی را با توجه به همه عوامل دخیل برای این جرایم اعمال کند و همچنین مجاز است تا مجازات را در راستای منافع عمومی اصلاح کند.

در این تحقیق بدنبال پاسخ به دو سئوال اصلی بودیم یکی اینکه جرایم اینترنتی چه میزان با حقوق اسلامی انطباق دارند و دیگر اینکه منابع حقوق اسلامی تا چگونه می توانند در روشن شدن و تطبیق موضوع به کمک حقوق جزای نوین بیایند؟ در پاسخ با این سوالات باید عنوان کرد که سیاست جنایی و کیفری اسلامی، سیاستی است که رویکرد واضحی برای هر وضعیت بحرانی جدید، مانند سرقت، تقلب اینترنتی و دیگر جرایم مرتبط با فناوری اطلاعات دارد. در رابطه با تقلب و کلاهبرداری اینترنتی، ملاحظات مورد نیاز برای اعمال مجازات تعزیر در آیات قرآنی و احادیث ، ممنوعیت تقلب و فریب و جرم و جنایت برای دستیابی به ثروت از طریق روش‌های غیرقانونی است که در طول مقاله به طور کامل مورد بررسی قرار گرفتند .

از متون و اظهارات پیشین روشن است که اسلام سرقت ، تقلب و کلاهبرداری را ممنوع کرده است و مسلمانان را ملزم نموده تا در تمام اعمالشان رک و راست باشند. حقیقت و صداقت از ارزش‌های اخلاقی اساسی اسلام هستند. در قانون اسلام، سرقت، جرمی است که برای آن مجازات حد قطع دست وجود دارد. با این حال، برای اثبات جرم سرقت، به معنای قانونی، که با یک حکم قضائی با قطع دست به پایان می‌رسد، می بایست شرایط شرعی و قانونی وجود داشته باشد واگر یکی از شرایط ذکر شده وجود نداشته باشد، اجرای قطع دست بخاطر سرقت قابل قبول نخواهد بود، در عوض، یک مجازات تعزیری در مورد مجرمان مورد حکم قرار خواهد گرفت.

طبق این قواعد، متخلفان تقلب و کلاهبرداری اینترنتی، از منظر قانون مجازات اسلامی، به عنوان سارق، در معنای قانونی این اصطلاح محسوب نمی‌شوند، که واجد شرایط مجازات قطع دست گردند که توسط خدا تعیین شده است، دلیل این امر این است که برخی از شرایط فوق‌الذکر در موارد سرقت اینترنتی هرگز قابل دسترسی نخواهد بود. به عنوان مثال، برای اثبات سرقت حدی لازم است که اقدام سرقت بدون اطلاع قبلی و رضایت قبلی از صاحب دارایی‌های به سرقت رفته انجام شود. با این حال، در کلاهبرداری اینترنتی، اقدام به بردن، گاهی اوقات با آگاهی قربانی از فرایند انجام می‌شود و منجر به از دست دادن پول می‌شود و قربانی این موارد را چه بر اثر بی اطلاعی از مسئل فنی چه بر اثر فریب خوردن قبول می‌کند. این باعث می‌شود کلاهبرداری اینترنتی از مرزهای سرقت بیرون بیاید و در قانون شریعت، یک قانون مجازات تنها با یک مجازات تعزیر، که، همان‌طور که قبلا توضیح داده شد، از طریق یک فرآیند مبتنی بر قضاوت قانونی اجتهاد تعیین و توضیح داده می‌شود.

از تجزیه و تحلیل قبلی می‌توان نتیجه گرفت که قانون اسلامی از تمام قوانین و مقررات مثبت در ممنوعیت و مجازات سرقت ،تقلب و فریب حمایت می‌کند، و همچنین از زندگی مردم و اموال در مقابل سارقان و مجرمان حمایت می کند. لذا پیشنهاد می شود که از سیستم مجازات مبتنی بر صلاحدید (تعزیر) که در فقه جزایی اسلامی برای چنین جرایمی مورد استفاده قرار می‌گیرد ، مورد توجه قانونگذار قرار گیرد و با استفاده از آن زمینه‌ای گسترده برای قانونگذاران ایرانی فراهم می‌شود تا مقرراتی را که قادر به مقابله با سرقت و تقلب و کلاهبرداری در اینترنت هستند را تعیین و مجازات‌های مناسب را برای برخورد با مجرمان مقرر دارد.

## منابع


۱) ابن ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب السرائر، قم، مؤسسهٔ النشر الإسلامی،ج۳.

۲) ابن براج(طرابلسی)،عبد العزیز، ۱۴۰۶ق، المهذب، قم، مؤسسهٔ نشر اسلامی.

۳) ابن زهره، حمزۀ بن علی،۱۳۷۵ش، غنیه النزوع، قم، نشر مؤسسۀ امام الصادق علیه السلام،ج۱.
۴) ابن فهد الحلی، جمال الدین،۱۴۰۷ق؛ المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،ج۵.
۵) اخوان فرد،مسعود؛کیخافرزانه، محمدامین؛ بدیع صنایع، امین ، ۱۳۹۲ش،«مقایسۀ تقلب نسبت به قانون و حیل شرعیه در حقوق خصوصی» ، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش۲.
۶) امینی، علیرضا؛ فیض، علیرضا؛ مرعشی سرائی، سید مرتضی؛ ۱۳۸۹ش،« نسبت مجازات های بازدارنده با تعزیرات در حقوق کیفری ایران» ، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۹.
۷) انصاری ، شیخ مرتضی، ۱۳۹۳ق، المکاسب؛ قاهره، نشر مؤسسۀ دارالکتاب للطباعۀ والنشر،ج۳.
۸) آیتی،سید محمد رضا؛ نجف آبادی،هادی، ۱۳۹۵ش، « تبدیل و جایگزینی مجازات های اسلامی(حدود و تعزیرات)متناسب با مقتضیات زمان»، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، ش ۴۶.
۹) ایزدی فر،علی اکبر؛ پیردهی حاجیکلا ، علی ، ۱۳۸۹ش،« سرقت اینترنتی: حدی یا تعزیری؟» ، مطالعات اسلامی:فقه و اصول، ش۸۴.
۱۰) ایزدی فرد، علی‌اکبر؛ حسین‌نژاد، سید مجتبی ، ۱۳۹۵ش، «حرز بودن"نظارت مالک" در تحقق مفهوم سرقت» ، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش۲.
۱۱) بیگله، مطهره، ۱۳۹۱ش، «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال کلاهبرداری رایانه ای و ارائه راهکارهای کاهش و پیشگیری از آن» ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، استاد راهنما: حسن مرادی، حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۲) پاینده،ابوالقاسم،۱۳۸۲ش؛ نهج الفصاحه، تهران ، نشر دنیای دانش،چ۱.
۱۳) تقی پور، حسین، ۱۳۸۹ش، « حجیت قول صحابه» ، مجله علوم حدیث، ش ۵۶.

۱۴) حسین نژاد،سید مجتبی، ۱۳۹۲ش، «بررسی فقهی موضوع شناسی حرز در سرقت از دیدگاه فقهای امامیه» ، فقه اهل بیت ، ش ۷۵و۷۶.

۱۵) حسینی ، سیدمحمد،۱۳۸۷ش، «حدود و تعزیرات(قلمرو،انواع،احکام)» ، فصلنامه حقوق، ش۱.

۱۶) حسینی عاملی،محمدجواد بن محمد ، ۱۴۱۹ق، مفتاح الکرامه فی الشرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه ،چ۱،ج۱۳.

۱۷) حضرتی شاهین دژ، صمد، ۱۳۹۱ش، «ماهیت فقهی و حقوقی سرقت الکترونیکی» ، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی،ش ۱۳و۱۲.

۱۸) خاوری،یعقوب؛۱۳۸۴ش، واژه نامه تفصیلی حقوق جزا ، مشهد ، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۱۹) خرم آبادی، عبدالصمد، ۱۳۸۶ش، «کلاهبرداری رایانه ای از دیدگاه بین المللی و و ضعیت ایران» ، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ش۲.

۲۰) خرمشاد،محمد باقر؛سرپرست سادات، سید ابراهیم، ۱۳۹۰ش، «بازاندیشی در ابعاد و گستره مفهوم سنّت» ، دانش سیاسی، ش ۱.

۲۱) خمینی، سید روح الله، ۱۳۹۲ش، تحریر الوسیله، تهران، مؤسّسهٔ تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی قدس سره،ج۲.

۲۲) خوئی، السید أبوالقاسم،۱۴۲۸ق، مبانی تکمله المنهاج ، قم، نشر موسسه احیا آثار الامام خویی،ج۱.

۲۳) دزیانی، محمد حسن ، بی تا، «جرایم کامپیوتری از حیث حقوق جزای اختصاصی» ، خبرنامه انفورماتیک، ش۶۴.

۲۴) رضوی اصل، سیدمحسن ؛مرادخانی، احمد ،۱۳۹۴ش،« بررسی مفهوم هتک حرز در سرقت‌های اینترنتی»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوشی نو در فقه، ش ۳.

۲۵) زرکشی، بدر الدین ، ۱۴۱۱ق، زهرالعریش فی تحریم الحشیش ، اسکندریه، نشر دارالوفاء ، چ۲.

۲۶) ساعدی، جعفر، ۱۳۸۴ش، «اجماع در اندیشه شیعی» ، فصلنامه فقه اهل بیت، ش ۴۲.
۲۷) سالاری، مهدی،۱۳۹۲ش، کلاهبرداری و ارکان متشکله آن ، تهران، نشر میزان، چ۲.
۲۸) سعادت،احمد؛کیاشمشکی،ابوالفضل، ۱۳۸۹ش،«معناشناسی تطبیقی عقل در حکمت، کتاب و سنت» ،پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۳۴.
۲۹) سیوطی، جلال الدین،۱۴۰۹ق، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، بیروت ، نشر احمد عمر هاشم.
۳۰) شرف الحق العظیم آبادی، محمد بن أبی بکر، ۱۳۸۸ق، عون المعبود علی سنن أبی داود،مدینه ، نشرالمکتبۀ السلفیۀ .
۳۱) طوسی ، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ق، العده فی اصول الفقه، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم، مطبعه ستاره،ج۲.
۳۲) طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۷۸ش، المبسوط فی فقه الإمامیۀ، تهران،نشر مکتب المرتضویه،ج۳.
۳۳) طوسی، محمدبن حسن،۱۴۰۰ق، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ بیروت، دارالکتاب العربی.
۳۴) طیبی ، مرتضی؛ خدادای، انیس،۱۳۹۴ش،«سرقت هویت» ، فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۰.
۳۵) عالی پور، حسن، ۱۳۹۶ش، حقوق کیفری فناوری اطلاعات (جرایم رایانه‌ای)، تهران، انتشارات خرسندی، چ۳.
۳۶) عاملی(شهید ثانی)، زین الدین بن علی ، ۱۴۱۰ق،الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه ، بیروت، دار احیا التراث العربی، چ۲،ج۱.
۳۷) عاملی(شهید ثانی)، زین الدین بن علی ، ۱۴۱۳ق، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام؛ قم، موسسه معارف الاسلامیه،ج۱۵.

۳۸) علامه حلی، ابومنصور جمال‌الدین،۱۴۱۳ق، تحریر الاحکام و قواعد الاحکام؛ قم ،موسسه آل بیت(ع) لاحیاء التراث،ج۲.
۳۹) علامه حلی،۱۴۰۴ ق ،مبادئ الوصول الی علم الاصول، تحقیق عبد الحسین محمدعلی بقـال،،قـم،مکتبی الاعلام الاسلامی،چ۲.
۴۰) عمید ،حسن، ۱۳۵۷ش، فرهنگ عمید، تهران، نشر امیر کبیر، چ۱۸.
۴۱) فاضل موحدی لنکرانی، محمد ،۱۳۹۰ش،آیین کیفری اسلام، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.
۴۲) فاضل موحدی لنکرانی، محمد،۱۳۸۱ش، تفصیل الشریعۀ- الحدود؛ قم، نشر مرکز فقه الائمه الاطهار(ع)، ج۱.
۴۳) فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی،چ۳،ج۱۰.
۴۴) فیومی مقری، أحمد بن محمد بن علی، ۱۴۱۸ق، المصباح المنیر، بیروت ، نشرالمکتبۀ العصریّۀ،ج۱
۴۵) قدسی،احمد، ۱۳۸۷ش،«اجماع در نگاه فریقین» ، پژوهشنامه حکمت و فقه اسلامی، ش ۲۵.
۴۶) قربان نیا، ناصر، ۱۳۸۰ش،« فلسفه مجازاتها در فقه کیفری اسلام» ، رواق اندیشه، ش۳.
۴۷) کلینی، محمد بن یعقوب،۱۳۸۷ش، اصول کافی، ترجمه مهدی آیت اللهی، تهران، انتشارات جهان آرا،ج۱.
۴۸) گرکی،مارکو؛ ۱۳۸۹ش،جرایم سایبری:راهنمایی برای کشورهای در حال توسعه؛ مترجم مرتضی اکبری،تهران، نشر پلیس امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا،چ۱.
۴۹) محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین ،۱۴۰۸ق؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان،ج۴.

۵۰) محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین،۱۳۸۸ش؛ تذکرة الفقهاء، تهران ،مکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة،ج۲.
۵۱) محقق داماد، مصطفی ، ۱۳۷۴ش،«حرز در سرقت مستوجب حد» ، مجله حقوقی دادگستری، ش۱۳ و ۱۴.
۵۲) مصدق، محمد،۱۳۹۵ش،« سرقت مستوجب حد از منظر قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲با رویکرد کاربردی» ،ماهنامه دادرسی ، ش۱۲۰.
۵۳) مصطفی، إبراهیم؛ حسن الزیات،احمد؛۱۹۸۹م، المعجم الوسیط، استانبول، نشر دارالدعوه
۵۴) مقدس اردبیلی، احمد ، ۱۴۱۶ق، مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، موسسه نشر اسلامی،ج۱۳.
۵۵) مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۳ق، موسوعة الفقه الاسلامی، قم، نشر مذهب أهل البیت علیهم السلام.
۵۶) موسوی‌عاملی، سیدمحمد بن علی،۱۴۱۰ق ،مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، مشهد، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاءالتراث.
۵۷) میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن ، ۱۳۷۸ق، قوانین الاصول ،تهران، نشر مکتب العلمیه الاسلامیه.
۵۸) میرمحمد صادقی، حسین؛ شایگان،محمد رسول، ۱۳۸۶ش،«راهکارهای مقابله با جرم کلاهبرداری رایانه ای در حقوق کیفری ایران»، فصل نامه دیدگاه های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ش ۴۲و۴۳.
۵۹) میرمحمد صادقی، حسین،۱۳۹۶ش، جرایم علیه اموال و مالکیت،تهران، انتشارات میزان، چ۵۱.
۶۰) میرمحمد صادقی،حسین، آذری متین،افشین، ۱۳۹۵، «رویکرد جرم شناختی به جعل هویت برای ارتکاب کلاهبرداری»، آموزه های حقوق کیفری، ش ۱۲ .
۶۱) نجفی، محمد حسن ، ۱۳۶۲ق، جواهرالکلام فی شرح الشرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء تراث العربی،ج۴۱.

۶۲) نصیری، علی، ۱۳۸۹ش،«مفهوم و جایگاه سنت از نگاه اسلام و مسیحیت» ، حدیث حوزه، ش۱.

۶۳) نقیبی، سید ابوالقاسم،۱۳۸۸ش، «قیاس مستنبط العله در فقه امامیه و حقوق ایران» ، آموزه‌های فقهی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۳.

۶۴) ورعی، سید جواد، ۱۳۹۴ش، «اختیارات حکومت در مجازات گنهکاران» ، پژوهش های فقهی، ش۱.

۶۵) وزیری، مجید؛ ارشاد حسینی، حجت، ۱۳۹۶ش، «بررسی احکام فقهی و حقوقی سرقت رایانه‌ای» ، نشریه معرفت، ش۲۳۳.

66) B.adigun, Tajudeen muhammed؛(2004), «The relevance of qiyas (analogical deduction) as a source of Islamic law in contemporary time», LLM thesis,Ibrahim Ahmad Aliyu, Islamic Shari'ah Law ,faculty of law, ahmadu bello university(zaria,nigeria).

67) Binational working group on cross-border mass marketing fraud؛(2006), «A Report to the Minister of Public Safety and Emergency Preparedness Canada and the Attorney General of the United States » ,washington DC.

68) Brenner,Susan.w؛(2010),Cybercrime Criminal Threats from Cyberspace, published by praeger, California(usa).

69) Chung, Tae Jean؛(2008), «Policing Internet Fraud: A Study of the Tensions between Private and Public Models of Policing Fraudulent Activity in Cyberspace with Particular Focus on South Korea and Special Reference to the United Kingdom and the United States», PhD Thesis, Advisor professor: David S.Wall, Philosophy, Faculty of Education, Social Sciences and Law, Leeds University(uk).

70) E.okon,etim؛(2012), «The sources and schools of Islamic jurisprudence» , American journal of social and management sciences, vol3 ,issue3.

71) Internet crime complaint center ؛(2017), annual report,usa , available at: https://pdf.ic3.gov/2017_IC3Report.pdf.

72) J. McGillivray,Robert, C.Lieske,Steven؛(2001),«Webjacking»,William Mitchell Law Review, vol27,issue3.

73) Koops,Bert-Jaap, Leenes,Ronald؛(2006),« Identity Theft, Identity Fraud and/or Identity-related Crime», Datenschutz und Datensicherheit, no30.

74) Kunz,Michael,Wilson,Patrick؛(2004)Computer crime and computer fraud , Maryland(usa) ,department of criminology and criminal justice.

75) Law, Jonathan , A. Martin,Elizabeth؛(2009), Oxford Dictionary of Law, 7th edition, Oxford, Oxford University Press .
76) Levi, Michael؛(2007), «Associates, The Nature, Extent and Economic Impact of Fraud in the UK», Report for the Association of Chief Police Officers' Economic Crime Portfolio.
77) M. Finklea, Kristin ؛(2012), «Identity Theft: Trends and Issues»,Congressional Research Service(CRS Report for Congress in Washington).
78) MacGregor, David؛(2006), «Islamic law and its sources», Platypus Magazine, no93.
79) Robinson,Neil؛(2012), Feasibility study for a European Cybercrime Centre: Final Report؛ Cambridge (uk), Rand Europe published.
80) T. Wells,Joseph؛(2009), Computer Fraud Case Book(THE BYTES THAT BITE)؛ New Jersey(United States), published by John Wiley & Sons.
81) Vasiua ,Lucian, Warren.b,Matthew , Mackaya ,David؛ (2003), «Defining Fraud: Issues for Organizations from an Information Systems Perspective», 7th Pacific Asia Conference on Information Systems in Adelaide.
82) W. Brenner, Susan؛ (2010), Cybercrime Criminal Threats from Cyberspace, santa Barbara (usa), praeger.
83) Z. Celentano , Leslie and associates ,(2000), Computer Crime A Joint Report ؛ New Jersey, State of New Jersey Commission of Investigation and Attorney.